

مرغ من يك پا دارد!

وقتی کودکی لجبازی می‌کند، نمود آن را می‌توان در سرپیچی‌های اغلب آشکار و جسورانه یا گهگاه مخفیانه و زیرکانه او دید



سلامت نیوز: وقتی کودکی لجبازی می‌کند، نمود آن را می‌توان در سرپیچی‌های اغلب آشکار و جسورانه یا گهگاه مخفیانه و زیرکانه او دید. بغض و گریه، کوبیدن پا بر زمین، قهر و بدخلقی، داد زدن، بددهنی، شکستن لوازم و مانند آنها از جمله حالات تدافعی وی در این هنگام است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از جام جم؛ سرچشمه سرپیچی و لجبازی کودک، اگرچه در برخی موارد به عوامل ژنتیک ربط دارد، هر چه سن بالاتر رود و تربیت او در پیچ و خم‌های کنش و واکنش با دیگران گرفتار شود، بیشتر از روش و رفتار بزرگ‌ترها ناشی می‌شود. اثرات و بازخوردهای این روش‌ها و رفتارها تقریباً از دو سالگی کودک به بعد بیشتر نمایان می‌شود و در صورتی که بدرستی مهار و کودک به مسیر مناسبی هدایت نشود، در سه یا چهار سالگی افزایش می‌یابد. با این حال اختلال‌های ژنتیک یا بیولوژیک در عملکرد غدد و اعصاب هم می‌تواند به بروز رفتارهای لجبازانه بینجامد.

عوامل لجبازی

خودرأیی والدین، ندیده گرفتن نیازهای واقعی کودک، محروم کردن او از مهربانی و محبت، در پیش گرفتن شیوه‌های نادرست تربیت، تحمل اندک یا بیماری کودک و... از جمله عوامل غیر ژنتیک در بروز پدیده لجبازی در کودکان است.

مخالفت‌های پی‌درپی، ممانعت‌های مداوم، اعمال همیشه بازدارنده و بیان همواره تحکم‌آمیز (که با بیان محکم و قاطعانه در جای لازم متفاوت است) به شکل‌گیری و تقویت لجاجت در کودکان کمک می‌کند. در این به اصطلاح «بکن - نکن»ها، يك جا او برای نشان دادن تمایلش به استقلال، یا حتی برای نشان دادن غریزی مخالفتش با چنین رفتاری ایستادگی و مقاومت خواهد کرد. اگر چنین گفتار و رفتاری فقط در مواقع لازم و نه به صورت امر و نهی، بلکه محکم و قاطع در پیش گرفته شود، دیگر نیازی به مخالفت در ذهن او جوانه نخواهد زد.

ناهماهنگی افراد خانواده در رفتاری که خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته و آگاهانه یا ناآگاهانه، به شکل‌گیری نوعی تربیت در ذهن کودک منجر می‌شود یکی دیگر از عواملی است که به لجبازی کودکان بخصوص در سنین بالاتر میدان می‌دهد. آنها برخی رفتارها و گفته‌ها را الگوسازی کرده و مبنای عمل خود قرار می‌دهند. تصور کنید یکی از اعضای خانواده الگوی دیگری را در عمل یا بیان خود اجرا کند که با پیش‌دانسته کودک از الگوی رفتاری دیگر افراد مغایر باشد، بسیار محتمل است که در برابر الگوی جدید حالت تدافعی پیش گیرد.

پاسخ مثبت به هر خواسته‌ای، کوتاه آمدن در مواقع پافشاری و لجبازی، میدان دادن به خودخواهی‌ها و یکدندگی‌ها، بی‌توجهی به نیازهای واقعی او از سوی دیگر، حتی معطوف شدن توجه دیگران به کودکی تازه متولد شده، همگی بر شدت و حدت چنین رفتاری می‌افزاید.

لج یا حرف حساب

گاهی برخی لجبازی‌ها و بدخلقی‌ها واقعا لجبازی نیست. پوشاندن لباسی ضخیم که کودک در آن احساس راحتی نمی‌کند یا حتی باعث آزار و اذیت او می‌شود، اما به سبب ندانستن روش استدلال نمی‌تواند دلیل مخالفت خود را با پوشیدن آن بگوید یا حتی عامل اصلی ناراحتی خود را متوجه شود و دریابد، ممکن است از دید شما لجبازی تعبیر شود حال آن‌که کنش او برای پوشیدن لباس یاد شده، طبیعی است.

هوای گرم، خستگی، گرسنگی و بسیاری عوامل دیگر که موقعیت یا شرایطی مشابه با آن دارد نیز ممکن است والدین را به این خطا اندازد که محرک اصلی را نادیده بگیرند و گمان کنند فرزندشان لجبازی می‌کند. کودکی که مدام گرفتار بیماری‌های متعدد است، یا نیاموخته چگونه باید اندکی برای فرض خوردن غذا صبر کند، یا پدر و مادر او را آنقدر همپای خود در بازار و خیابان راه برده‌اند که حوصله‌اش سررفته یا خسته شده، طبیعی است که در مقام اعتراض به شیوه خود برآید. نباید این اعتراض‌های درست را یکدندگی و کج خلقی تعبیر کرد.

مهاری رفتار

برای آن که لجبازی و یکدندگی در کودک شکل نگیرد یا به گونه‌ای مناسب از میان برود، ابتدا باید رفتار کودک را بخوبی شناخت. عمل بر اساس شناخت، در اغلب موارد به در پیش گرفتن راهکارهای مناسب‌تر می‌انجامد. بعضی کودکان در موارد خاصی لجبازی می‌کنند. اگر این موارد شناسایی شوند می‌توان با جلوگیری از آنها یا در پیش گرفتن کنش مناسب و آمادگی قبلی، از ورود او به حیطه یکدندگی جلوگیری کرد یا در صورت ورود راه خروج را بهتر و آسان‌تر یافت. فرض کنید به محل ساکتی رفته‌اید و کودکتان شروع به گریه برای وادار کردن شما به انجام کاری کرده است. شما برای به هم نخوردن فضای آرام آنجا آنچه را او خواسته در اختیارش گذاشته‌اید. او در رفتارهای آینده با یادآوری این مورد متوجه خواهد شد وادار کردن دیگران به انجام کاری مطابق با خواسته خود را در چه مواردی پیش گیرد تا به جواب مثبت برسد.

برخی در جاهای بخصوصی این رفتار را پی می‌گیرند و گوششان هم بدهکار هیچ حرف و هیچ شخصی نیست. اگر بدانید این مکان‌ها کجا هستند بهتر می‌توانید با آن روبه‌رو شوید. به عنوان مثال، ممکن است کودکی وقتی خوراک یا اسباب‌بازی‌هایی را در فروشگاه می‌بیند، برای خرید آن به والدین اصرار کرده و سپس شروع به لجبازی برای رسیدن به خواسته خود کند.

معمولا کودکان تلفیقی از هر دو روش را پی می‌گیرند. نباید طوری رفتار کرد که کودک متوجه شود می‌تواند با لجبازی به خواسته‌های خود برسد. با کشف اولین نشانه‌ها از لجبازی باید در برابر پافشاری‌های نادرست و خواسته‌های نابجا مقاومت کرد و به آنها بی‌اعتنایی نشان داد. رفتاری توأم با آرامش را پی بگیرید و از رویکرد به روش‌های تند در برابر او پرهیز کنید. این به آن معنا نیست که برای ساکت کردن یا منحرف کردن ذهن کودک به دام دیگری بیفتید و به محبت بیش از حد یا نابجا رو آورید بلکه باید طوری رفتار کنید که او متوجه شود لجبازی راه مناسب برای رسیدن به خواسته‌هایش نیست. همواره کلید حوصله و صبر را در تربیت کودکتان به دست داشته باشید. همه کودکان در بسیاری از رفتارهای کلی، مثل کودکان دیگرند، اما در جزئیات فرق دارند.

بنابراین ممکن است شیوه‌ای خاص سبب بهبود اعمال کودکی شود، اما آن شیوه در کودک شما ناکارآمد باشد. راه حل منطقی را با افزایش دانش خود درباره تربیت کودک و بویژه زیر ذره‌بین قرار دادن اعمال او برای کسب شناخت بهتر و بیشتر از او درخواهید یافت. والدینی که بدون توجه به توانایی فرزندان، از آنها انجام اعمالی را می‌خواهند که از عهده آنها خارج است، بوضوح رو به سمتی گذاشته‌اند که نتیجه‌اش سرپیچی و لجبازی است. کلید شناخت و تسلط به روش‌های تربیتی، هم آنها را از این آینده مشخص نجات خواهد داد هم کودک را از ورطه تربیت نادرست به‌طور کلی و افتادن در دام یکدندگی به‌طور خاص دور خواهد کرد.